

## نام و هویت یک قوم و یا یک ملیت را هیچ مرجعی با هیچ عنوانی صلاحیت تغیر دادن ندارد

یایهاالناس، انا خلقناکم من ذکر وانثی، وجعلنا کم شعوباً وقبایل، لتعارفوا، ان اکرمکم عندالله اتقیکم....  
(ای مردم ما شما را از مرد وزن آفریدیم، و شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم، تا همدیگر را بشناسید،  
گرامی ترین شما در نزد پروردگار پرهیزگارترین شماست)  
بر اساس این آیه مبارکه، همانگونه که، خلقت زن و مرد در پیدایش عالم زاده مشیت الهی است، تقسیم  
نمودن انسانها هم به قبایل و ملت ها محصول اراده پروردگار است که با هدف شناساندن انسانها به  
همدیگر صورت گرفته است.

پس همانگونه که از بین بردن دوجنس زن و مرد خارج از حیطه تسلط آدمیان میباشد، امحای انقسام  
ملی جوامع بشر هم بکلی ناممکن، و هر تلاشی هم که درین مورد صورت گیرد، نوعی مخالفت با  
اراده پروردگار، و جستجوی راه های تسلط بر سرنوشت انسانها با زیر پا گذاری او امر الهی و قوانین  
خلقت است.

جامعه افغانستان بصورت طبیعی یک جامعه چندین ملیتی و موجودیت اقوام و ملیت های مختلف در  
محدوده زیست جغرافیای این کشور، از زمانه های قدیم تا امروز، یک امر انکارنا پذیر و تاریخی  
است که، در طول تاریخ با تغیر حاکمیت ها و بوجود آمدن گروه های مختلف حکمروا، از بدنه اقوام  
و ملیت های مختلف درین حدود جغرافیای، این تکثر قومی و ملیتی نه تنها از میان نرفته، بلکه با  
مراجعه به اصل نیازمندی های همزیستی مجموع باشندگان کشور، متکاملتر و متمدانه تر هم گردیده  
است.

هویت های قومی از بیک، تورکمن، هزاره، تاجیک، پشتون، بلوچ، نورستانی، قزلباش، قرغیز،  
قزاق، تاتار، ایماق، پشه ای، پامیری، بیات، ندو، سیکه و غیره راهیچ مرجع و مقامی در تاریخ به ایشان  
اعطا نکرده، و هیچ مرجعی هم با رأی و یا فرمان از ایشان سلب نموده نمیتواند.

هویت و ملیت یک گروه انسانی، هدیه اهدایی مقام ریاست دولت، و یا قانون قابل تصویب در پارلمان  
نیست که، تابع حکم و یا فرمان رئیس دولت، و یا رأی اکثریت در پارلمان باشد.

یک وکیل پارلمان، بعنوان نماینده مردم، مدافع حقوق و نیازمندی های انسانی رأی دهندگان برای  
اوست، یعنی نماینده منافع مردم خود، در یک جمع بزرگ و مرجع قانون گذاری کشور، نه نماینده مردم  
در جهت دست و پا کردن یک نام و هویت تازه، و یا به حراج گذاشتن نام و هویت تاریخی مردمی که به  
او رأی داده و به پارلمان اش فرستاده اند.

بناءً هیچ وکیل پارلمان و پارلمانی حق ندارد که در رابطه با هویت و ملیت مردم افغانستان با بالا و یا  
پائین بردن کارت های سرخ و سبز تصمیم گیری و تعیین تکلیف نماید.

اگر آقای عبدالروف ابراهیمی که، بعنوان یک از بیک و نماینده یکی از چهار ملیت بزرگ کشور به  
این مقام منسوب گردیده است، پرسیده شود که: از بیک بودن جناب شما را کدام پارلمان و مجلس  
بر اساس رأی گیری تعیین نموده و یا هویت ملیت های پشتون، تاجیک و هزاره را در چه زمانی کدام  
پادشاه و یا رئیس دولت به ایشان اعطا نموده است؟

چه جوابی خواهند داد!

البته که هیچ جوابی ندارند، زیرا تعیین هویت ملی و نام یک گروه قومی از حیطه صلاحیت و قدرت  
نیرومند ترین امپراطوران عالم هم بیرون و بزرگترین اکثریت در عالم هم حق ندارد که از کوچکترین  
گروه انسانی سلب هویت و نام آنرا بنماید.

رئیس دولت در عالی ترین موقف و وظیفوی خویش، محافظ حقوق باشندگان یک سرزمین در محدوده جغرافیایوی تحت اداره و کنترل خود است، و اینوظیفه به او حکم مینماید که پاسدار حق و عدالت در زندگی روز مره اتباع یک کشور باشد، نه سلب کننده حقوق انسانی بخشی از باشندگان به نفع بخش دیگر آن!

پس اگر از آقای کرزی پرسیده شود که از بیک ها، هزاره ها، تاجیک ها، پشتون ها، تورکمن ها، قزلباشها، ایماق ها، قرغیز ها، نورستانی ها، بلوچ ها، هندوها، سیکه ها، پشه ای ها، عرب ها و غیره در چه زمانی و بر اساس فرمان کدام پادشاه، یا رئیس جمهوری این نام ها و هویت هارا از آن خود کرده اند که حال بر اساس امر و فرمان ایشان ناگزیر از تغییر آن باشند چه جوابی خواهند داد!

باز هم از وکلای محترم مردم در پارلمان کشور که، آگاهانه و یا غیر آگاهانه به تأیید این پیشنهاد غیر علمی و غیر منطقی دولت قبیلوی آقای کرزی دست بالانمودند، پرسیده شود که:

در کدام دور تاریخ و در دوره کار کدام پارلمان مردم از بیک، هزاره، تاجیک، پشتون، نورستانی، بلوچ، تورکمن و غیره نام و هویت خود را پس از تأیید پارلمان بدست آوردند که، حال شما آنرا با رأی پارلمان منسوخ قرار میدهید؟ چه جوابی خواهند گفت.

همه میدانیم که این ندانم کاری ها در جامعه افغانستان صرفاً یک ریشه دارد که آنهم برتری جویی و حاکمیت طلبی های قبایل حاکم با معیار های قرون اوسطایی در مغایرت با مظاهر تمدنی دنیای معاصر، و ارزش انسان را از زاویه منافع آزمندانة قبایلی ارزیابی نمودن از یک طرف، و روح معامله گری بخاطر دست یابی به امتیازات ملعون و گذرای دولت ها از جانب دیگر که، با کمال تأسف طی دوصد سال اخیر در حیات سیاسی کشور ما حاکم گردیده، و به موجودیت خود ادامه میدهد.

شکل گیری و پیدایش اقوام و ملیت ها در جوامع بشری، یک پدیده کاملاً طبیعی و تکاملی است که، باتأثیر پذیری از پروسه تدریجی و دراز مدت رشد اجتماعی انسانها تثبیت، و ضرورت های معرفتی انسانها را با پیدایش یک هویت پایرجای جمعی بر آورده میسازد.

هویت اتنیکی هیچ یکی از جوامع بشری در کره زمین بصورت خود خواسته و با انتخاب قبلی افراد آن بوجود نیامده، و از بین هم نمی رود، و هیچ مرجعی هم در کره زمین وجود ندارد که، برای افراد و جماعات بشری هویت اتنیکی را اعطا و یا آنرا سلب نمایند.

البته امتزاج و آمیزش گروه های نزدیک بهم با تأثیر پذیری از عوامل رشد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بصورت طبیعی میتواند باعث شکل گیری هویت های مشترک داوطلبانه جدید و تکامل یافته تری در میان گروه های قومی خویشاوند گردیده و مناسبات جدید را در عرصه روابط اتنیکی افراد بوجود بیاورد.

ولی باید است متوجه بود که در تأمین و شکل گیری این امر هم، مهم ترین عامل اختلاط ها، قرابت های فرهنگی و اجتماعی جوامع، در انطباق با نیازمندی های تکاملی ایشان است، تا عوامل دیگری همچون زور، تعذیر، تزویر و غیره!

تعویض جبری نام اقوام و ملیت های مختلف افغانستان، در تذکره های الکترونیکی نفوس به افغان که، این نام عملاً و بصورت انکار ناپذیر آن، نام یکی از گروه های قومی مسکون، در یک ساحه جغرافیایوی معین کشور کنونی افغانستان میباشد، بصورت قطعی یک عمل فاشیستی و دور از معیار های همزیستی باشندگان این سرزمین بدور از تفوق طلبی های قومی، قبیلوی و نژادی در کنار همدیگر است که، مهمترین حق انسانی و مدنی بخش های بزرگی از باشندگان کشور را که همانا حق داشتن هویت و مشخصه های معرفتی ایشان باشد، مورد تجاوز قرار میدهد.

هویت یک پدیده ذاتی و معرفتی افراد و جوامع انسانی، در دوران حیات و درین کره خاکی است که، پیوند ناگسستنی با اصل پیدایش آدم و مراحل مختلف تکاملی آن از مراحل اولیه حیات، تا رسیدنش به ساختار های کنونی در حیات مادی و معنوی خویشتن دارد.

پس دست زدن به هویت اقوام و ملیت های ساکن افغانستان، یک امر جاهلانه و دور از معقولیت های منطقی در حیات باشندگان این کشور است.

مردم افغانستان از دولت صلح، امنیت، عدالت، رفاه، کار، تحصیل، خدمات صحتی و غیره تقاضا دارند، و تلاش در تغییر نام اقوام و ملیت ها بجز از دامن زدن به اختلافات و تبعیض ها، نه شکم گرسنه ای را سیر خواهد کرد، نه آدم بیکاری را صاحب کار خواهد ساخت و نه هم بیماری را شفا خواهد داد.

این بازی یعنی تلاش در جهت افغان ساختن هویت تمامی باشندگان افغانستان یک بازی منحوس قبیله سالاری در جهت تحمیق خلق پشتون و قرار دادن ایشان در مقابله با تمامی باشندگان دیگر، این سرزمین است، و هیچ دردی را که همین اکنون خلق پشتون گرفتار آن اند دوا کرده نمیتواند. بجز اینکه فرزندان خلق پشتون را به سربازان دایمی و قربانی بی زبان قبیله سالاران مبدل و در یک جدال پایان ناپذیر تاریخی با دیگر هموطنان ایشان قرار دهد.

امید بر آن داریم که فرهنگیان و دارندگان تفکر سالم در افغانستان، در قبال این موضوع اختلاف برانگیز، بادقت و درایت موضع گیری نموده، و مانع از عملی شدن خواسته های نفاق افکنانه دشمنان مردم افغانستان، درین مرحله حساس تاریخ شوند!!!

با آرزوی اتحاد و همبستگی آگاهانه تمامی نیروهای متعهد کشور در جهت تأمین عدالت و برابری واقعی در سرزمین افغانستان.